



دوره هفتم تقنینیه

شماره

۶۸

مذاکرات مجلس

جلسه

۶۸

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه بله یکشنبه ۱۳

پنجم ماه ۱۳۰۸

مطابق ۲ رمضان

۱۳۴۸

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

مطبعة مجلس

قیمت اشتراک

ایران سالیانه ده تومان

خارج ۴ دوازده تومان

قیمت تک شماره

یک تفران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس لیلہ یکشنبہ ۱۳ بہمن ماہ ۱۳۰۸ * (۲ رمضان ۱۳۴۸)

برست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
- ۲ (طرح و تصویب لایحہ برداخت اضافہ عایدی پست ہوائی)
- ۳ (بقہ شور ثانی لایحہ نامین مدعی بہ از مادہ ۶)
- ۴ (ختم جلسہ - موقم و دستور جلسہ بعد)

مجلس ساعت ۹ (مقارن سه ساعت و سه ربع از شب گذشته) بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز پنجشنبہ ۱۰ بہمن ماہ را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

- رئیس - آقای فرخی
- فرخی - قبل از دستور
- رئیس - آقای زوار
- زوار - قبل از دستور
- رئیس - آقای یاسائی
- یاسائی - قبل از دستور
- رئیس - آقای اعتبار
- اعتبار - قبل از دستور
- رئیس - آقای دہستانی
- دہستانی - قبل از دستور

عین مذاکرات مشروح نود و ہشتمین جلسہ از دورہ ہفتم تقنینیہ (مطابق قانون ۸ آذر ماہ ۱۳۰۵)
دایرہ تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین کہ ضمن صورت مجلس خواندہ شدہ است :

غائبین با اجازہ آقایان : حسنعلیہرزا دولتشاهی - انجمنی - دکتر امیراعلم - پاپیری - آفازادہ سبزواری - امیر عامری - اورنگ - بروجردی - امیر حسین خان - مہدی - ارباب گنجسرو - تہور تاش - حاج سید محمود

غائبین بی اجازہ آقایان : فہمی - میرزا حسن خان وثوق - ہوشہری - فولادوند - آصف - دیوان بیگی - اعظم - نوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - کدنی - بیات - حاج حسین آقا مہدی - شجعی مدرس - حاج حسن آقا ملک - غلامحسین ملک - رفیع

بر آمدگان با اجازہ آقایان : روحی - مجد ضیائی - رہبری - عبدالحمید خان دیبا - یور محسن - دشتی - عراقی

دیر آمدگان بی اجازہ آقایان : شریعت زادہ - اسدی

رئیس - آقای حیدری

حیدری - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟

جمعی از نمایندگان - خیر. دستور

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

جمعی از نمایندگان - دستور دستور

فرخی - مخالفم مخالفم

رئیس - بگوئید آقا

فرخی - کار بمقدمه ندارم عجله این جا مجلس

شورای ملی است و من هم یکنفر نماینده ملت هستم

راست است که حکومت پارلمانی حکومت عدد و نفر

است و البته اکثریت میتواند اجازه بیکنفر وکیلی که

در اقلیت است ندهد ولی حق و عدالت انصاف و مروت

مقتضی این است که احساسات بکنفر وکیل را ترور

نکنند (با حرارت) و بگذارند اظهاراتی که راجع به

خیر عمومی است بنماید (با حرارت) اگر پسندیده نیست

رد کنند. اکثریت گمان میکنند که من ناسزا خواهم

گفت ؟ معاذالله. نسبت بمقام کسی بی احترامی خواهم

کرد ؟ هرگز بنده حتی از آمال و آرزوی پر عرض و طول

خودم هم صرف نظر خواهم کرد و در حدود قانون

اساسی مطابق آمال و آرزوی همه آقایان نمایندگان صحبت

خواهم کرد اجازه با اکثریت است اگر بدهند بگویم

و الا تسایم هستم

رئیس - آقایانیکه با ورود در دستور موافقت قیام

فرمایند (اعلب قیام نمودند) تصویب شد

[۲ - طرح و تصویب لایحه پرداخت اضافه

عایدات پست هوائی بکمیپانی یونکرس]

خبر از کمیسیون بودجه بمجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۴۷۷۷۷ وزارت پست

تلگراف را در تحت شور و مذاقه قرار داده و در جل

هشتم بهمین بافناق آراء ماده واحده ذیل را تصویب

اینک خبر آن تقدیم میشود

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجاز

میدهد مبلغ بیست و پنجهزار تومان از محل عایدات

سال ۱۳۰۸ پست هوائی بوزارت پست و تلگراف

اعتبار دهد که مطابق قانون مورخ ۳ اردیبهشت ۱۳۰۸

در وجه کمپانی هوا پیمائی یونکرس در طهران

پرداخت نماید .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اصل موضوعی که در این لایحه

است بنده بیک تبصره هم پیشنهاد کرده ام و خدمت مقام ریاست

تقدیم کرده ام آقای معاون محترم هم توجه داشته

اساساً ما مخالفت با اصل نداریم موضوع این است کمپانی

که می آیند و قوانینی که از مجلس میگذرد و یا مصلحت

آن قوانین تشکیل شرکت با کمپانی میدهیم تا قوانین

نگذارند اند کاملاً مطیع قوانین و اوامر حکومت دولتی

انکه قانون از مجلس گذشت و رفت بنیست قوه مجریه و در

هم داد بکمپانی و در مقام عمل آمد بعد از آنکه در

عمل آمد دیگر آن عملیاتی که مطابق آمال و آرزوی

آن عملیات بروز نمیکند مثلاً کمپانی یونکرس یکی

است نهایت ادله هم باندازه نبوده است که بتوانم اکثریت را ملزم

کنم حالا کمپانی تشکیل شد و منافعی هم دارد لیکن بنده

خواستم از آقای وزیر پست و تلگراف با آقای معاون

محترم که تشریف دارند عملیات کمپانی را سؤال کنم

چون وزراء که کمتر برای جواب سؤال های می آیند در

این مسئله هم بنده سؤالی نداشتم شاید هم چنانچه

سؤال میکردم برای جواب میامدند مثلاً عنوان مسافرت

کردن با کمپانی یونکرس را همه میدانند که اختلاف

پیدا میکنند گاهی مسافرت از طهران بشیراز چهل

تومان است گاهی سی و پنج تومان است گاهی سی

تومان حالا شنیده ام که مسافرت از طهران بخراسان

هم اختلاف پیدا کرده است ابدأ التزامی در این مسئله

نیست این يك موضوع موضوع دیگر راجع بمنافعی است

که کمپانی تحصیل میکند آخر مسافرتی که میکنند مجلس

مجلس ایران است حکومت و قوانین ایران است و باید در

تحت اداره قوانین و حکومت ایران باشد این مسافرتی

که واقع میشود منافعی که از آن حاصل میشود این

کمپانی هائی که این همه منافع از مملکت ما میبرند

بخزانه مملکت چه عاید میکنند ؟ ما تمام تخمیلات را

خودمان بر خومان میکنیم درست است ایرانیها يك قدری

همان نوازند اما در دیزی باز است گریه هم باید حیا

داشته باشد . ما مهمان نواز کمپانیها هم آزاد اما در

حدودی که بدانیم چه میدهند منافعی که از این

مسافرت حاصل میکنند چقدر است ؟ این است که بنده

رای اینکه این مسئله تأمین شود و بعد از آن هم دست

دولت باز باشد در منافعی که کمپانی یونکرس از مسافرت

حاصل میکند منافعی که از حمل و نقل میبرد پیشنهاد

را مجلس هم بداند که ترتیب آن چه چیز است والا در

اصل دادن بیست و پنجهزار تومان و اینها آقای معاون

يك توضیحاتی دادند که ما قانع شدیم . حالا راجع باین

عمل هم اگر دولت مطلع است ترتیبی دارد نظامنامه برای

این عمل تنظیم کرده است در تحت نظامنامه و موادش

معین است که منافعی که از این حمل و نقل و مسافرت

بخزانه مملکت عاید می شود آن را توضیح بدهند و اگر

ندارد بنده پیشنهاد خودم را تعقیب میکنم آقایان هم توجه

بفرمایند البته حکومت با آقایان است

معاون وزارت پست و تلگراف - در موقعیکه این قرار

داد با کمپانی یونکرس بسته شده است ...

بعضی از نمایندگان - آقا بلند تر

رئیس - اینجا بفرمائید

معاون - (پشت کرسی تطلق) بهیچوجه کرایه مسافرت

متفرقه را محدود نکرده و با او قرار نگذاشته اند که باید

از ۸ نفر مسافر چه بگیری البته باید در آتیه این مسئله

را در نظر گرفت و قراری گذاشت اما مطابق کنتراتی

که دارد و قانونی که در سوم اردی بهشت گذشته است

هیچ چیز را معین نکرده است ولی راجع بنظامنامه در دست

اقدام است و عنقریب نظامنامه که تنظیم شده است می

آورند و از نظر آقایان میگذرد (بعضی از نمایندگان

صحیح است)

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با دادن حق هرکس را بخودش

مخالف نیستم اما عقیدم این است که هرکس يك

معاهداتی يك قرار دادی با يك دولتی می بندد

باید در سر قرار داد های خودش بایستد (طهرانی

همیشه محتاج بخارج نباشد این يك مسئله است كه كه جزو قرار دادشان بوده است ولی تا بحال عمل نکرده اند نه مدرسه معلوم است از این باب و نه شاکردی كه چیزی تعلیمش داده باشند در اینصورت معلوم است كه این را هم میتوان گفت مثل سایرین است . یکی دیگر اینکه در قرار دادش بنا بوده است در بعضی نقاط دیگر ایران هم تاسیس پست هوا پیمائی کند و نکرده است چون کمپانی بمعاهدات خودش وفا نکرده است ما هم ملزم نیستیم كه بمعاهدات خودمان وفا کنیم تا زمانیکه کمپانی بمعاهدات خود وفا نکرده است اگر وفا کرده اند آقای معاون بفرمایند وفا کرده اند ما هم موافقیم و الا بنده نمیتوانم موافقت کنم .

معاون وزارت پست و تلگراف - تاکنون مطابق قرار دادی كه شده است و قانونی كه گذشته است عمل کرده فقط در خصوص مدرسه يك تاخیری شده بود و اخیراً از طرف اعلیحضرت همایونی هم يك تأكیداتی شد آقای سرتیپ نخجوانی هم يك روز آمدند و حضور داشتند و کمیسیون در این خصوص در وزارت پست و تلگراف تشکیل شد و نظامنامه و ترتیباتی داده اند كه قریباً آن مدرسه تاسیس خواهد شد و نتیجه اش هم بعرض آقایان خواهد رسید

چند نفر از نمایندگان - كافی است

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - موافقم

رئیس - آقای فرهمند

فرهمند - موافقم

رئیس - آقای دكتر سنك

دكتر سنك - عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات كافی است

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود

بعضی از نمایندگان - نیستند

رئیس - پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم تبصره واحده اضافه شود :

تبصره - وزارت پست و تلگراف مكلف است نظامنامه ترتیب مسافرت و حمل و نقل بتوسط طیاره کمپانی یونكرس تنظیم نموده پس از تصویب کمیسیون پست و تلگراف بموقع اجرا بگذارد .

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده عقاید خودم را در موضوع این تبصره عرض كردم . حالا معاون محترم كه در اینجا بیان كردند فرمودند نظامنامه در این باب نوشته می شود اگر ایشان تأمین كنند نظریه بنده را كه نظامنامه ترتیب مسافرت نوشته شود و بكمیسیون پست و تلگراف بیاورند كه کمیسیون هم در آن نظامنامه نظر داشته باشد پیشنهاد خودم را مسترد میکنم این مسئله هم مسئله تنظیم دادن مسافرت و معلوم بودن عوائدی است كه از ما فرین حاصل میشود اگر تأمین میشود این نظریه و خواهند كرد بنده تبصره خودم را مسترد میدارم و اگر نمیکنند بسته است بنظر اكثریت .

معاون وزارت پست و تلگراف - نظامنامه

كه نوشته خواهد شد

كازرونی (مخبر کمیسیون) - عرض كنم مابین کمپانی یونكرس و وزارت پست و تلگراف يك نظامنامه مدون مرتبى كه با تراضی نوشته شده موجود است و همچو موضوع روی هواوانیها نیست مدتها بر سر نوشتن نظامنامه گفتگو و اختلاف فیما بین وزارت پست و تلگراف و کمپانی یونكرس بوده و این نظامنامه هم معمول است بعلاوه تصدیق بفرمائید ما الان يك قرار داد جدیدی راجع بیونكرس نمیخواهیم بتصویب مجلس برسانیم . سابقاً يك قانونی گذرانده ایم حالا راجع بكیفیت محاسبات

خزانه داری است اینجا را میخواهیم درست کنیم نمی آئیم كه تكرار داد جدیدی با کمپانی یونكرس به بندیم . نظامنامه اش هم بیاید اینجا گمان میکنم مورد نداشته باشد بگذارید هر وقت قرار دادش برای تجدید آمد هر پیشنهادی دارید بفرمائید .

آقا سید یعقوب - بنده برای اینکه پیشنهادم رد نشود استرداد میکنم . ولی جواب آقای مخبر هم هیچ كافی نبود .

رئیس - پیشنهاد دیگر :

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم از روزی كه کمپانی بمعاهدات خود عمل نماید از آن روز این اضافه بایشان پرداخته شود

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده بهمان نظری كه عرض كردم عقیده ام این است معاهداتی كه میشود (يكی از نمایندگان - اینجا را معاهده نمیگویند) باید از طرفین بان عمل شود . عملی خوب معاهداتی كه شده صحیح این اضافه هم به ما داده شود اما در ضمن این معاهدات قراردادهای دیگری بوده است از قبیل تعلیم شاگرد تاسیس مدرسه آن روزی كه ایشان بمعاهدات خود وفا بكنند ما هم همان روز بقرارداد خودمان عمل كنیم ما چرا سبقت هم بوفای عهد خودمان بر ایشان معاهده از دو طرف است هر روزيكه ایشان ایفاء بعهد خود كردند ما هم میکنیم .

مخبر - عرض كنم اولاً ما با كسی معاهده نداریم يك ردادی است فیما بین دولت ایران و کمپانی یونكرس کمپانی

یونكرس هم همیشه حاضر بوده است كه قرارداد های خودش را رعایت كند نهایت يك اختلافاتی حاصل شد در اصل قانونی كه از مجلس گذشته بود با نقطه نظر آنها . مثلاً راجع بمدرسه کمپانی یونكرس میگفت شما خرج مدرسه را بدهید و ما هم مقدمات و ترتیباتش را درست میکنم . دولت ایران متوقع بود خرج مدرسه را هم خود کمپانی بدهد او هم میگفت اینکه ممكن نیست من خرجش را بدهم بالاخره آمدند و تراضی كردند و مدرسه هم دائر خواهد شد در این صورت ما این جا نمیتوانیم بكمپانی بگوئیم تو بر طبق قرارداد خودت رفتار نكردی . وانگهی آقا قانونی را كه حالا ما میگذرانیم راجع بيك چیز تعهد شده است عمل تمام شده است راجع به کمپانی یونكرس ابدأ مذاكره نیست عرض كردم راجع بمحاسبات خزانه داری است و این چه ربطی باین پیشنهاد دارد از این جهت تمام میکنم آقا پیشنهادشان را استرداد بفرمائید .

فیروز آبادی - مسترد میکنم .

رئیس - استرداد فرمودید ؟

فیروز آبادی - بله

رئیس - رأی میگیریم بلا بجه آقایانيكه موافق هستند

ورقه سفید خواهند داد

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بشرح ذیل حاصل گردید)

ورقه سفید علامت قبول (۸۱) ورقه كبود علامت رد (۲)

رئیس - عدده حاضرین ۹۴ با اكثریت ۸۱ رأی

تصویب شد .

اسامی موافقین - آقایان اعتبار - فهیمی - فرهمند - دكتر لقمان - سحرابخان ساكبان - انسر - مقدم - عدل - رهبری - موفری - ظهري - طاهري - مفتی - مولوی - محمد وليبرزا - دكتر ملك زاده - فرشی - حكمت - خواجوی - مصدق جهانشاهی - كفائی - طباطبائی و كلبی - بیات ماکو - اسکندری - اقبال - میرزا ابانسی - قاضی نوری - روحی - دستانی - طالشخان - امیر ابراهیمی - صادقی - مسعودی - نور محمد - محمد ضیائی - دربانی - كاشانی - لاریجانی - فتوحی - حاج مرزا حبیب الله امین - ناصری - طهرانی - حیدری - دهستانی - انور - اسفندیاری - جلایی - آقا حسین آقایان - زوار - شهداد - رفیع - یاسائی - هزار جریسی - آية الله زاده شبرازی - ترك نیا - ب زاده - انصافی - محمد آخوند - رحیم زاده - نوبخت - طباطبائی دیبا - مؤید احمدی - نجومی - دیوان بیگی - كازرونی - شریفی - ایزدی - سید محمد - سید مرضی وثوق - مهدوی - ملك آرائی - هراز - امیر دولتشاهی - ضياء - ارکانی - دكتر عظیمی - حبیبی - اسدی - نوری - اسعد .

اسامی مخالفین - آقایان فراگوزلو - فیروز آبادی .

[۳- بقیه شور ثانی لایحه تأمین مدعی به از ماده ۶]

رئیس - لایحه تأمین مدعی به شور ثانی از ماده (۶)

مطرح است

ماده ۶ - در مورد اول ماده قبل پس از درخواست تأمین در مورد ثانی پس از تشخیص اینکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است و در مورد ثالث آمده پس از دادن تأمین برای جبران خسارات محکمه مکلف است بدون ابلاغ تقاضا بطرف قرار تأمین را صادر نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

(معارضی نبود)

رئیس - موافقین با ماده ششم قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - در غیر موارد مذکور در ماده ۵ قبول درخواست تأمین الزامی نبوده و منوط بنظر محکمه است لیکن اگر محکمه نظر بامارات قویه و نظر باینکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است در خواست تأمین را قابل قبول دانست وقتی قرار تأمین را صادر خواهد نمود که مستدعی تأمین جبران خساراتی را که ممکن است بطرف وارد آید و میزان آن را محکمه تخمین خواهد نمود تأمین نماید.

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - بنظر بنده این ماده هفتم مکرر است زیرا مینویسد در غیر موارد مذکور در ماده پنج قبول در خواست تأمین الزامی نبوده و بنظر محکمه است. این صحیح ولی از عبارت (لیکن اگر) بنظر بنده مکرر است لیکن اگر محکمه نظر بامارات قویه و نظر باین که مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است در خواست تأمین را صادر خواهد نمود که مستدعی تأمین جبران

خساراتی را که ممکن است بطرف وارد آید میزان آن را محکمه تخمین خواهد نمود تأمین نماید در ماده پنج فقره ۲ مینویسد: هر گاه مستند دعوی سند عام بوده ولی مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی باشد در فقره ۳ میگوید: هر گاه مستند دعوی سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین بدهد در این دو مورد محکمه مکلف است درخواست تأمین را قبول کند این جا مستند این است که در غیر آن موارد در غیر آن موارد بنده نمیدانم موضوعش چه چیز است زیرا که هر دعوی که می آید بمحکمه مستند بیک سندی است و محکمه آن دعوی را قبول نمیکند منتهی در بعضی جاها سند رسمی است در بعضی جاها سند عادی است و رسمی آن ترتیب را دارد سند عادی را که یکی در صورت تضییع مدعی به و یکی در صورت مدعی تأمین بکند خسارت مدعی علیه را محکمه بر است این جا هم همین موضوع است یکی اینکه تفریط بکند مدعی به را یا اینکه طرف تأمین بدهد محکمه این جا باید مدعی به را تأمین کند عقیده بنده این است که این مکرر است اگر يك موردی غیر از این موارد هست خوبست آقای مخبر توضیح بدهند تا مستند شود چیست.

یاسائی (مخبر کیسیون) - آن فروضی که

ماده پنج شده است و خودشان توجه فرمودند که ماده هفت نمیشود. ماده هفت ناظر بمواردی است اسناد رسمی و عادی در کار نیست ممکن است مدعی يك استشهادی بکند در عرف استشهاد عادی هم تلقی نمی شود. راجع بتصرف عادی برای اثبات تصرف عدوانی بالاخره راهی ندارد اینکه استطلاع بکند از يك اشخاصی و معمولاً عادی بنوشتهای گفته میشود که بامضای مدعی باشد مثل سند، تمسک، قبایجات همه جا در قانون

هست اسناد و نوشتهجات. وقتی که نوشتهجات بود و پایه و اساس دعوی انقدرها بنیانی ندارد قرار تأمین صادر نمیشود جز بدو شرط یکی اینکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به باشد و یکی هم مدعی خسارت اجرای قرار را قبلاً تأمین کرده باشد فرقش این است نوشتهجاتی که سند عادی است آنجا فقط وقتی مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به باشد قاضی ملزم است که قرار تأمین صادر کند ولی اگر در غیر این مورد بود اصلاً قاضی ملزم بصدور قرار نیست ولی حالا يك اماراتی يك نوشتهجاتی بنظرش رسید که صحیح است و دلیل بر صدق ادعای مدعی است راجع بتأمین درخواست قرار تأمین صادر کند چون مدارك تأمین قطعی نیست ادله اش قبلاً بنظر بیاید که محرز نباشد گفته میشود علاوه بر اینکه مورد مورد تضییع نباشد تأمین نمیشود. بنظر بنده این احتیاط است و ماده خیلی خوبست برای اینکه غیر از موارد ماده پنجم بسیاری از موارد اتفاق می افتد که مشمول این فقرات سه گانه نخواهد بود.

رئیس - آقای کیا

کیا - بنده احتمال میدهم که (آقای مخبر توجه فرمایند) آقایان که در کمیسیون عدلیه هستند يك نظر های دقیقی در این خصوص اتخاذ کرده اند ولی باید تصدیق کرد که ماده پنجم و ماده هفتم يك فهم عادی درش نیست يك اندازه باهم پیچیدگی دارند که ممکن است این پیچیدگی ظاهراً برای قاضی بامتداعین ایجاد اشکال کند بنده تقاضا میکنم آقایان بکفداری توجه فرمایند اولاً ماده هفت را اگر تطبیق کنیم با ماده پنج حالا مخالفتش با ماده پنج بجا خودش هم بنفسه يك اشکال دارد ماده هفت می گوید در غیر موارد مذکوره در ماده پنج قبول در خواست تأمین الزامی نبوده و منوط بنظر محکمه است اینجا اولاً يك اشکالش این است بنده اساساً اینطور میفهمم که شما دو قسمت تصور کرده اید يك قسمت مواردی است که بتقاضای

مدعی قاضی مکلف میشود هیچ عقیده خودش را نمی تواند عمل کند ولو عقیده خودش هم برخلاف باشد مجبور است که تأمین کند يك مواردی هم منوط بنظر قاضی است اینجا در مواردی که منوط بنظر قاضی کرده اید باندازه شرایط بآن چسبانده اند سه شرط از ظاهر عبارت معلوم میشود سه شرط درش میکنند یکی امارات قویه یکی احراز و ثبوت تضییع و تفریط و یکی هم با وجود هر دو اینها باید تأمین خسارات را بکند بنده اولاً نفهمیدم که این امارات قویه با تضییع و تفریط چه نسبتی دارد امارات قویه باید در خصوص ثبوت تضییع و تفریط باشد امارات قویه که خودش بکچیزی نمیشود امارات قویه بر ثبوت فلاحت ممکن است بنده تصور میکنم که اینجا يك وار زیادی چاپ شده حالا نسخه اولش را نمیدانم. اینجا میگوید لیکن اگر محکمه نظر بامارات قویه و نظر باینکه مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به است در خواست تأمین را قابل قبول بداند بنده تصور میکنم این وار در اینجا زیاد شده است برای اینکه امارات قویه بر تضییع و تفریط است یعنی چون البته قاضی مختار است در غیر موارد ماده پنج بر اینکه تقاضای تأمین را قبول یا رد کند ولی مشروط بر اینکه ادله قویه و امارات قویه برای او ایجاد شود که در صدد تضییع و تفریط است و الا امارات بر چه چیز باشد این را بنده هنوز ندانستم که اینجا دو تا است یا سه تا است یعنی امارات قویه یکی. تضییع و تفریط هم یکی. جبران خسارات هم یکی این سه شرط آنوقت بعلاوه همینطوری که تذکر دادم این را هم بنده نمیدانم يك شیئی را يك چیزی را ممکن است حضرتعالی علماً بکوفتی علت تامه بدانید بکوفتی جزء العله بدانید این غیر این ترتیب است اصلاً تعلقش قابل نیست يك شیئی را ممکن است بکوفتی علت تامه بدانید يك وقت علل دیگر تضییع و تفریط هر وقت ایجاد شد علت تامه برای ایجاد نظر قاضی است ولی این تضییع و تفریط وقتی در يك مورد دیگر ایجاد شد منوط بنظر قاضی

نیست این لازمه اش این است که يك شیئی میتواند در يك مورد بیاید علت تامه بشود و هم علت ناقصه بشود این را بنده نفهمیدم و همینطور در قسمت ثانی و ثالث ماده پنج عرض کردم که این کلیت نمیشود. یعنی به استدعای مدعی که من جبران میکنم خسارات وارده از تامين را و محض اینکه پیشنهاد کرد من تامين میکنم خسارات وارده را قاضی ملزم بشود که این را تامين کند. خیلی خوب حالا این پیشنهاد را در اینجا آمدید يك علت نامه کردید تکلیف کردید برای قاضی به محض اینکه او اظهار کرد من جبران خسارات وارده را میکنم فوراً قاضی مجبور باشد تامين بکند آنوقت باز هم آمده اید اینجا و گفته اید در موردی که امارات قویه و ثبوت تضييع و تفریط باشد معذالك باید خسارات را هم تامين کند این را بنده ملغف نشدم باین جهت بنده تصور میکنم که این ماده با اینکه البته آقایان و اشخاصی که اینجا هستند و در کمیسیون بودند چه هستند (عراقی - کمیسیون عدلیه) کمیسیون عدلیه است اشتباه کردم در کمیسیون عدلیه هستند يك عده هم از آقایان متخصصین هستند و دقت های کاملی کرده اند معذالك بنده عرض میکنم این صورت ظاهرش برای ما ها یک قدری سوء تفاهم میکند غیر از ماده هفت و پنج. باین جهت بنده تصور میکنم که ماده هفت را ممکن است مختصرش کرد چون بنده يك پیشنهادی هم نسبت باین ماده نوشته ام مختصرش بکنید که با ماده پنج مخالفت نداشته باشد و این سوء تفاهم راهم ایجاد نکند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت؟

آقا سید یعقوب - بله. بنده از تغییر عقیده نماینده محترم از پریشب تا بحال خیلی تعجب میکنم پریشب همچو صحبت میکرد که اگر تجدید ادله بشود یعنی مدعی بر تجدید تقاضای تامين مدعی به ادله قویه داشته باشد قاضی مکلف است ای داد بیداد تضييق بر مدعی علیه است و مدعی علیه را بخواد خفه کند و اینچور

صحتی بود که میگفت مدعی علیه کاملاً در پر قوه بخواد و مدعی برود سنك بیدازد تا بغلش خسته بشود چون آدم فضیلتش در اینجا زیاد میشود در اینجا که این ترتیب کردید چرا همچو کاری را کردید یعنی باب ترخیص و تسهیل برای مدعی علیه درست کردند این ماده يك ترخیصاتی است یعنی بمجرد تقاضای مدعی تامين ندهند یعنی تقاضای او را بپذیرند یعنی فشار بر مدعی علیه نباشد این است حالا امشب میگویند نه آخر چرا اینطور کردید چرا اینقدر قید را زیاد کردید که محکمه بعد از این قیدها آنوقت تامين بدهد....

کیا - بنده همچو چیزی عرض نکردم.

آقا سید یعقوب - قربانت بروم اعلم العلماء (خند نمایندگان) گوش کن حالا بلی رو بهم فرشته وقتی وارد شدید در مذاکرات پریشب خودتان و مذاکرات امشب شما شما الحمد لله مجتهد زاده هستید آنوقت اجتهاد میکنید این را بعد از آنکه ترجمه کردیم فرمایش فاضل محترم را این شد راجع باین ماده در صورتیکه در ماده پنج نظر تامين خوب میخوانم حالا چه عیب دارد. در موارد ذیل محکمه مکلف بصدور قرار تامين است یعنی چه؟ یعنی الزامی است یعنی تکلیف تکلیف الزامی است. الزامی است یعنی چه؟ یعنی اختیار بدست قاضی نیست قاضی معنای دیگر هم بفهمد در اینجا ناچار است. چرا؟ بعلت اینکه قانون بدست میدهد در وقتیکه سند رسمی باشد. ورقه ثبت اسناد است سند مالکیت است آورده است و مطابق این سند مالکیت تقاضای تامين مدعی به میکند ولو قاضی هم بگوید من عقیده ام بر خلاف این است فایده ندارد الزامی هم نیست این تقاضا را به بپذیرد یا رد کند ولی اگر محکمه است بپذیرد باز موارد الزامی نیست ها؟ ولی اگر خواست بپذیرد همان تسهیلاتی است که پریشب نظر آقا بود که برای مدعی علیه مراقبت بشود این همان تسهیلات است حالا کوش شده است دیگر فلما عرفوا کفرها به وقتی ما مدعی بکنیم بنظر محکمه باشد نه اینکه مطلقاً بگوئیم این شکل که تقاضا کرد محکمه فوراً بیاورد رای بدهد

امارات قویه محقق بشود بادل و يك اسناد قاطعی که مدعی علیه در مقام تضييع و تفریط باشد اینجا امارات قویه است اگر همانطوری که نظر مبارك باشد وقتی که آب قوت میخورید در اینجا امارات غیر از برهان است امارات است نه اینکه نشانه ها هست که ما بیائیم در ماده هفت بگوئیم يك امارات قویه نمیگوئیم اسناد نمیگوئیم مدارك قویه فرق است مابین این دو تا اعلم العلماء در این جزء دوم همینطوری که آقای مخبر هم بیان کرد که مدعی علیه در ضمن اینکه جواب مدعی را میدهد در ضمن بیاناتش يك اقراری میکند که از همان اقرارش استفاده میشود برای مدعی و آنجا که از منزله سند رسمی میشود یعنی اعتبار سند رسمی پیدا میکند. مدعی میچرخد و میگردد و از قراری که در مقام جواب کرده است ثابت میکند جزء سوم می آید مدعی در وقتی که تقاضای تامين مدعی به میکند در همان عریضه که تقدیم میکند به محکمه مدعی به خودش تامين میکند و تقاضا میکند و در همانجا هم می آید بگوید که اگر خسارتی واقع شود بر مدعی علیه از این تامين کردن من قبول میکنم اینها مواردی بود که در ماده پنج بود. اما می آئیم سر ماده هفت ماده هفت الزامات همان ماده پنج بود در غیر آن موارد بنظر محکمه است یعنی این حق را ما برای مدعی اساساً داده ایم. اساساً به مدعی حق داده ایم بعد از آنکه عرض حال او بفرشته شد در محکمه میتواند تامين مدعی به خودش تقاضا کند بعد از اینکه این حق را باو دادیم محکمه اینجا آزاد است یعنی منوط به نظر محکمه است از ادوات این تقاضا را به بپذیرد یا رد کند ولی اگر محکمه است بپذیرد باز موارد الزامی نیست ها؟ ولی اگر خواست بپذیرد همان تسهیلاتی است که پریشب نظر آقا بود که برای مدعی علیه مراقبت بشود این همان تسهیلات است حالا کوش شده است دیگر فلما عرفوا کفرها به وقتی ما مدعی بکنیم بنظر محکمه باشد نه اینکه مطلقاً بگوئیم این شکل که تقاضا کرد محکمه فوراً بیاورد رای بدهد

رئیس - آقای کازرونی مخالفند

کازرونی - بلی بنده خواستم فقط رفع اشکال و ابهامی از بنده بشود و الا در اصل موضوع عرضی ندارم خواستم به بینم اگر چنانچه مدعی تقاضای تامين کرد الساعه که از او تامين میخواهد مدعی علیه چیزی نداشته باشد تنخواه معین مشخصی نداشته باشد که تامين بدهد در اینصورت نسبت به او چه رفتاری خواهد شد مثلاً حالا برای اینکه درست روشن شود عرض میکنم تاجر همیشه میخواهد در معرض این باشد که گفته نشود هیچ ندارد و بگویند همه چیز دارد تنخواهی دارد فرستاده است برای خرید فلان چیز ممکن است ضرر کنند یا نفع کنند سرمایه اش هم از بین برود و همچنین تنخواهی دارد بنا بر این هیچیک از اینها قابل این نیست که آن را بشود تامين کرد و او هم می خواهد بگوید که من آدمی هستم معتبر و اعتبارم را میخواهم در ظاهر حفظ کنم اگر این آدم رفت و متشبت بزید و عمر و شد که بیائید ضامن من بشوید بکلی رشته اعتبارش از هم گسیخته میشود و بالاخره نمیتواند. در صورتی که توانست و گفت ندارم نمی توانم فعلاً تامين کنم محکمه با این چگونه معامله خواهد کرد این را اطمینان بدهید که اقل اسباب اطمینان و خاطر جمعی باشد

مخبر - عرض میشود آقای کیا در بیاناتش يك

مطالبی فرمودند که يك قسمتهائی از آن را آقای آقا سید یعقوب جواب فرمودند و قسمتی بنظر بنده بلا جواب ماند. فرمودند ما آمده ایم امارات قویه را با تضييع و تفریط مدعی علیه علت عمدۀ قرار داده ایم و در جای دیگر طور دیگر کرده ایم عرض میکنم بالاخره همه جا يك شرطی مقرون بیک شرط دیگر است اگر سند رسمی است آن علت نامه است ولي اگر سند عادی است سند رسمی نیست باید مدعی به در معرض تضييع و تفریط واقع شده باشد و اگر چنانچه سند عادی بود باید قریبۀ بشود با تأمین خساراتیکه از طرف بشود در ماده که اینطور است در ماده سه شرط قریبۀ است یکی امارات قویه بر صدق اصل دعوی مربوط بتأمین مدعا به نیست مطلب اشتباه نشود ممکن است این صورت مجلس ها نوشته میشود و این معنی مورد اختلاف نظر قضات هم واقع بشود اگر چنانچه مدعی تقاضای تأمین کرد امارات قویه بر صدق اظهار و دعوی او بود و اثبات کرد که مدعی علیه در صدق تضييع و تفریط مدعی به است و تأمین کرد خسارتی را که ممکن است از صدور قرار و اجرای آن بمدعی علیه وارد شود و قاضی هم اساساً نظرش باین بود که قبول نکند آنوقت قرار صادر میکند و الا نمیکند اما این که آقای کازرونی فرمودند در شور اول هم نظرم می آید گویا آقای فیروز آبادی این مسئله را تذکر دادند راجع بمعاملات تجارتي البته يك ترتیب خاصی دارد چنانچه ترتیب محاکمات تجارتي غیر از ترتیب محاکمات حقوقی است بعضی موادش راجع بانتخاب اعضایش تغییر کرده ولي اصولش محفوظ است مسلماً محاکمات تجارتي اختصاری میشود یعنی محاکم عادی نیست ترتیب محاکمات اختصاری هم در قانون معین است البته از نقطه نظر صرفه خود تجار و کاسبین این ترتیب مقرر شده است که محاکمات اختصاری باشد در موقعی که آن قانون از مجلس گذشته است با اینکه در موارد حقوقی تأمین مدعی به الزامی نبوده است در قانون تجارت فعلی که الان معتبر است در

قسمت تأمین مدعی به الزامی بوده است برای اینک مطابق توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه دادند همانطور که شما فکر بیچارگی یا بد بختی یا اعتبار آبروی مدعی علیه را میکنید همان اندازه هم باید فکر اعتبار و آبروی مدعی را هم بکنید یعنی آنکه طلب دارد و بالاخره همه جای دنیا جریان محاکمات تجارتي اختصاری است موجهائی در قانونش پیش بینی شده است که مدعی را زودتر تمام می کنند که از آن مواردش تأمین مدعی است در یکی از مواد قانون محاکمات تجارتي هست هر وقت مدعی در ضمن دعوی تقاضای تأمین کرد تأمین خسارت کرد صدور تأمین الزامی است و قرار صادر شود و حالا ما تازه میخواهیم توسعه بدو نسبت بموارد دیگر این را اصولاً عرض کردم اما این فرمودید اگر يك مدعی علیهی چیزی نداشت

کازرونی - توانست

مخبر - توانست که معنی ندارد برای اینکه مدعی به یا راجع است یعنی که در خارج موجود است و مدعی آن عین است که او بتواند یا نتواند میگوید فلان عدل مال التجاره عیناً مدعی به من تقاضای توقیف او را میکند اگر دارائی منقول و منقولي ظاهراً دارد که معرفی میکنند آنوقت همینطور میشود ولي اگر ظاهراً چیزی نداشت که بتواند مدعی معرفی کند و آن را توقیف بکنند که توقیف معنی ندارد قرار تأمین هم صادر شود چه بکند اگر يك حکمی صادر بشود بر عایه يك مفاسدی که قطعی از استیناف هم گذشته باشد و بعد مسلم شود این مفلس است آن حکم بلا اثر است قراری صادر شده تأمین مدعی به که تعلق به ذمه کسی نیست تعلق به عین موضوع میگیرد در خارج یا منقول یا غیر منقول منها گرفته میشود ارفاقاً بمدعی علیه که بتواند تقاضای بضمامن بکند و الا اصل قرار متوجه میشود بتوقیف منقول یا غیر منقول اگر مال منقول یا غیر منقول

مدعی علیه مدعی سراغ نداد البته قرار صادر نمیشود البته اگر صادر شد اجرا نمیشود بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای کیا

مقام منبع ریاست معظم مجلس شورای ملی دامت شوکتۀ ماده هفت را بطریق ذیل بنده پیشنهاد میکنم: در موارد مذکوره در ماده ۵ قبول درخواست تأمین الزامی نبوده با ادله و امارات قویه منوط بنظر محکمه است به شرط آنکه محکمه تأمین جبران خساراتی که ممکن است وارد آید بنماید

رئیس - توضیحاتی دارید؟

کیا نوری - بنده عرایض خودم را که کرده ام و از فرمایشات آقای مخبر يك قسمتش حل شد اما يك قسمت دیگرش حل نشد این قسمتی را که فرمودند مقید است نسبت بسند عادی بنده هنوز تصور نکرده ام که سند غیر عادی یعنی چه تصور بفرمائید اینجا سه قسم میشود باین ترتیب که حضرت تعالی تصور میفرمائید سه قسم مدرک ممکن است ضمیمه عرضحال بمحکمه برود یکی سند رسمی بلکه چهار قسم یکی سند عادی که بمنزله سند رسمی است این دو تا یکی سند عادی یکی دیگرش را اسمش را نمیدانم این است که حضرت عالی دارید تصور میکنید (باسائلی نوشتجات) بنده تصور میکنم که از این سه قسم زائد بشود مدارکی که ضمیمه عرضحال میشود داستشهاد را هم که بفرمائید باز سند عادی میشود سند رسمی یا سند عادی که بمنزله سند رسمی یا سند عادی است والا بدون مدرک هیچ قاضی نمیتواند عرضحال را از هیچکس قبول کند در این صورت آنوقت باز اشکال تقریباً هست و با وجود این همه بن فرمایشات هم که کردید صحیح است تضييع و تفریط را در اینجا مقید فرمودید که تضييع و تفریط با وجود سند عادی تکلیف برای قاضی میآورد تضييع و تفریط . . . آقا سید یعقوب - تضييع یا تفریط

کیا - یا ندارد . . البته یا باید باشد تضييع و تفریط دو امر متضادند با هم جمع نمیشوند تضييع و تفریط با امارات آقای آقا سید یعقوب با یک لسان علمی اینجا میخواهند فرق ما بین ادله و امارات بگذارند در لسان علمی البته فرق دارد همینطور است ولي در قانون امارات با ادله فرق ندارد (روحی - فرق دارد آقا) دیگر اینکه بنده عقیده ام این است که هیچوقت نمیشود قانون را اجرا کرد مگر با يك شرط که قانون قابل فهم عادی مردم باشد پس باید این دو کلمه ضمیمه بشود. البته این فرمایش حضرت عالی عملاً صحیح است اما این را چطور میشود بنام طبقات و قضات بگویند؟ ادله با امارات فرقی ندارد (روحی - فرق دارد) بالاخره در اینصورت که میفرمائید پس باید در این ماده هفت ضمیمه کرد باین شکل حالا بنده يك پیشنهاد دیگری تقدیم کرده ام که نوشته شود در غیر سند رسمی و غیر سند عادی و غیر سند رسمی بمنزله سند عادی در غیر این سه مورد منوط بنظر محکمه است با شرایط ذیل اقلأ قضیه را روشنتر بکنند

مخبر - بعقیده بنده مطلب خیلی روشن است برای این که سند دعوی یا سند رسمی است فقره اول است یا سند عادی است ولي مدعی علیه در صدق تضييع مدعی به است این هم شق ثانی است شق ثالثش هم این است که مستند دعوی سند عادی است بدون اینکه مدعی علیه در صدق تضييع باشد ولي مدعی تأمین میکند خسارات را این سه مورد که خیلی صریح است الزامی است و قاضی باید قرار صادر کند و در غیر این هر چه شما فرض کنید الزامی نیست بنظر قاضی است ولي در صورت قبولش منوط است باین سه شرطی که در اینجا ذکر شده اما اینکه فرمودید اماره با دلیل یکی است بنده بنظرم نباید یکی باشد و در صورتیکه بخواهند از نظر علمی و منطقی وارد قضیه شوند که برهان با دلیل چه فرق دارد اماره صحیح است یا اماره بالاخره این بحث ها را که اینجا نباید بکنیم صحبت سر این است که اماره و دلیل قانوناً و عرفاً فرق دارد مثلاً اگر شما تقاضای معاینه محلی از

محکمه کردید که فلان مجرا که فلان دیوار که الان مدعی علیه میخواید خراب کنید اگر بیائید مشاهده کنید وصل اجراها بیکدیگر دلیل بر این است که مال من است خود معاینه محکمه این اماره است بالاخره نظائرش هم خیلی است اغلب در معاینات فعلی برای متداعیین یک اماراتی پیدا میشود در هر صورت اینها یک چیز هائی است که سر جای خودش محرز است مواد و قوانین زیادی هست که در جای خودش هست یک اصطلاحات و چیز هائی نیست که تازه در این قانون جعل شده باشد و خواهش میکنم پیشنهادتان را مسترد بکنید برای اینکه بنده نمیتوانم قبول کنم بیش از این هم قانون را معطل نکنید شما تشویق کنید دولت و کمیسیون عدلیه را که بیشتر قوانین را بیاوریم بمجلس.

کیا نوری - مسترد میکنم

رئیس - مسترد کردید؟ (کیا نوری - بلی) پیشنهاد دیگران قرائت میشود: پیشنهاد دیگر آقای کیا

بنده پیشنهاد مینمایم ماده هفت بطریق ذیل نوشته شود: لکن هر گاه سند رسمی و عادی نبود و محکمه نظر بامارات قویه الی آخر

رئیس - بفرمائید

کیا نوری - توضیح را عرض کردم بایشان که لااقل قید کنید اینجا که با مورد ماده پنجم فرقتش این باشد که در مورد ماده پنجم تصبیع و تفریط یا بفرمائید آقای تصبیع یا تفریط آست که سند عادی باشد و در غیر آن مورد شامل ماده هفتم بشود یعنی ماده هفتم در غیر موردی است که سند عادی باشد و این لفظ غیر سند عادی درش قید شود قدری روشنتر و بهتر میشود

مخبر - اولاً این را عرض کنم که در همه جا بجای (واو) یا هست تصبیع یا تفریط است برای اینکه در اطراف کلمه واو اختلافی نشود باید تصریح شود که در هر جا که

است که شما فرمودید زود تر همان روز اول در اولین جلسه قرار صادر میکند (وثوق - الزام کنید) میشود الزام کرد صدور قرار را برای اینکه با تراکم کار در محاکم تصدیق میفرمائید خیلی مشکل است و باید طوری کرد که عملی شود. جلسه معین کرده است دو ماه پیش وقت داده است بیک محاکمه خیلی مهمی طرفین محاکمه وکلانش حاضر شده اند حالا وقت محاکمه شان است که نتیجه بگیرند يك کسی آمده تقاضای تأمین مدعی به کرده است بالاخره محاکم هم که غالباً بکنفری است. بنظر بنده شما موافقت کنید با ترتیبی که در ماده است غیر از این عملی نمیشود اگر غیر از این عملی بود بنده هم با شما موافقت میکردم که هر چه زود تر قرار صادر شود ولی از طرف دیگر يك شرایط دیگری شده است و آن این است که همیشه قدر که قرار صادر شد بدون ابلاغ اجرا میشود و منتظر حضور مدعی علیه هم نمیشوند ولی با این ترتیبات بعقیده بنده باید لا اقل برای قاضی فرصت قرار داد که وقت داشته باشد.

رئیس - آقای روحی مخالفید؟

روحی - عرض کنم بنده با مدت مخالفم بنده تصور میکنم محکمه در ظرف دو روز نتواند آنطوری که باید انجام وظیفه بکند زیرا تأمین مدعی به يك قسمتش باقیه و بعضی اموال غیر منقول است آنوقت اینها اشکال پیدا میکند. ممکن است يك موقعی يك اماتنی در خانه کسی باشد اینرا ببرند توقیف کنند یا خیلی خانه ها را این میافند که اثاثیه مشترك است بین چند نفر چطور این مدت این را تشخیص میدهند که مسلماً مال طرف بوده است که مال کسی تصبیع نشود. این ها بنده در ظرف دو روز کافی نیست. اشکال تولید میکند برای مردم. بنده عقیده دارم لا اقل مدت يك ماه بکنند که اگر يك معترضی نسبت بتأمین مدعی به بتواند احقاق حق خودش را بکند که مال مردم می نشود از بین برود حالا اگر آقای مخبر توضیح اقتاع

کننده بدهند بنده هم کاملاً موافق هستم مخبر - تصور میکنم برای آقای روحی سوء تفاهمی شده باشد. مدت دروز برای اجرای قرار نیست برای صدور قرار است. مدت دروز مهلتی است که بقاضی داده میشود که مجال کند قرار بگذارد که این احوال باید توقیف شود و اجرای قرار با مامور اجرا است ممکن است دو هفته هم طول بکشد که بروند اموال منقول و غیر منقول را صورت بردارند البته باید صورت بردارند قیمت کنند نمره اشیاء را معین کنند بالاخره لاک کنند مهر کنند ممکن است يك عملیات زیادی لازم داشته باشد و يك مدتی طول بکشد. این مدت فقط برای قاضی است که قرار صادر بکند در این دو روز بعد ترتیب اجرا با مأمور اجرا است و مربوط بقاضی نیست بلکه قاضی غالباً از ترتیب اجرا خبر ندارد.

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای وثوق

وثوق - بنده مسترد میدارم

رئیس - رای میگیریم بماده هشتم آقایان موافقین

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - قرار تأمین مزبور باستثنای موردی که در ماده ۱۰ ذکر خواهد شد پس از ابلاغ بلا فاصله بموقع اجرا گذارده میشود مگر اینکه مدعی علیه با محکوم علیه در موقع اجرا در محل اجرای قرار حاضر بوده و بر آن قرار اعتراض نماید در اینصورت مدعی علیه

یا محکوم علیه ملزم است اموال منقول یا غیر منقول خود را که در تصرف دارد و مورد تأمین بوده انتقال بغير ندهد و در صورت تخلف در حکم انتقال دهنده مال غیر برده و بمجازات کلاه بردار محکوم خواهد گردید

رئیس - آقای کیا

کیا - بنده اشکالی چندان در این ماده ندارم ولی تصور میکنم که آقای مخبر توجه بفرمائید بمقیده بنده اگر ماده نه و ده هر دو يك ماده میشد بهتر بود برای فهم مطلب زیرا روح این دو ماده این است که بعد از ابلاغ و اجرا برای هر يك از اینها يك استثنائی است و این دو موضوع در هر دو ماده ذکر شده است در ماده نه مگر در قرار تأمین مزبور باستثنای موردی که در ماده ۱۰ ذکر خواهد شد پس از ابلاغ بلافاصله بموقع اجرا گذارده میشود در ماده ده مگر در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران دارد وقتی قرار تأمین بموقع اجرا گذارده میشود که بمدعی علیه یا محکوم علیه ابلاغ شده باشد موضوع هر دو ماده ابلاغ و اجرا است که بعد از ابلاغ اجرا میشود منتها يك استثناء بابلاغ میخورد يك استثناء به اجرا استثناء بابلاغ این است مگر اینکه غایب بوده باشد اگر در موقع ابلاغ مدعی علیه غایب بوده باشد لهذا او را اجرا میکنند بدون ابلاغ موضوع ثانی موضوع اجرا است اگر در موقعی که ابلاغ شد و مدعی علیه حاضر شد ولی بعد از صدور اعتراض بتأمین شد البته اینجا اجرا نمیشود ابلاغ شده ولی اجرا نمیشود و فقط چیزیکه اینجا اثر میکند اثرش این است که بمدعی علیه دیگران بگویند که اجرا نمیکنیم ولی شما تا موقعی که اعتراضتان رسمی نشود و موارد تأمین معین نشود حق انتقال بغير ندارید پس این دو ماده یکی است پس اگر این دو ماده یکی شود بطوری که بنده عرض کردم گمان میکنم بهتر باشد همینطور بلکه عرض میکنم که قرار ابلاغ و اجرا در دو مورد استثناء از آن بشود و بلافاصله بعد از قبول قرار تأمین محکمه

بعد از ابلاغ اجرا میکند مگر این که غایب باشد وقتی که غایب شد ابلاغ لازم نیست یا اینکه اعتراض کند پس در موقعی که اعتراض کند ابلاغ میشود ولی اجرا نمیشود این است عقیده بنده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای کیا خیلی سوء ظن دارم ولی اگر خودشان توجه بفرمائید هو نیست بعد از دو ساعت که حرف میزنید میفرمائید که دو ماده را یکی کنیم ما آقا میخواهیم قانون بنویسیم شما الان دارید صحبت میکنید که قانون مشکل نیست نشود شما خودتان الان سه ساعت دارید صحبت میکنید و يك اشکالاتی تولید میکنید میفرمائید دو ماده یکی شود در صورتیکه این دو ماده که موضوع مختلف است دو مطلب مستقل است هر يك از اینها يك موضوع دارد آنوقت میفرمائید که به بنده بمرحمتی کردید تمام مطالب را از روی دقت نگاه میکنم و عرض میکنم که میگفت که آن ماده هفت مشکل است ما نمیفهمیم آنوقت اینچنین در دو موضوع مختلف و متباین میگوید دو تار یکی کندیم به اصل ماده توجه بفرمائید که سیاق ماده برای چه نوشته شده است اصل سیاق ماده برای این است که از اینکه مدعی تقاضای تأمین مدعی به را کرد مدعی بتواند این مدعی به را که تأمین شده است انتقال بدهد چطور؟ همینطور که ملاحظه میفرمائید يك مجازات غیر قوی هم برایش داده شده است آنوقت باستثناء ماده ده که در ماده ۵ ذکر خواهد شد پس از ابلاغ بلافاصله بموقع اجرا گذارده میشود یعنی چه یعنی دیگر این وقت داده نمیشود بمدعی علیه که بیاید و این را بقبول بدهد و از بین بر دارد بواسطه اینکه بر محکمه بجا شد حقانیت مدعی در این تقاضا کردن قرار هم صادر شد این قرار را که صادر کرد فوراً بموقع اجرا بگذارد برای چه برای اینکه مدعی علیه این شیئی را از بین نبرد الا اینکه مدعی علیه اعتراض نماید در اینصورت مدعی

این دو موضوع را در ماده نه و ده تکرار میکنید آنوقت استثنای را هم بر هم میزنید در ماده ده باز همان را تکرار می کنید بسیار خوب پس شما بیایید ماده نه را راجع به ابلاغ و ماده ده را راجع به اجرا بکنید آنوقت بنده هم قبول میکنم

مخبر - فرمایشی را که آقا فرمودند با اینکه خیلی فارسی بود بنده که چیزی از آن نفهمیدم مانند کتاب نخود بولاد اگر آقا خوانده باشند در علم کلام است فارسی هم هست ولی عبارتش طور است که چیزی از آن فهمیده نمیشود حالا بنده همانطور از فرمایشات جنابعالی چیزی نفهمیدم (خنده نمایندگان) بالاخره این عبارت بنظر بنده خیلی ساده است و مربوط بماده بعدش نیست اول مربوط باین است که اگر مال مدعی علیه که در نزد شخص ثالثی است بخواهند توقیف کنند که نوشته اند در مورد اموالی که مدعی علیه نزد دیگران دارد قسمت دیگر این است که فاصله بین ابلاغ و اجرا نباشد برخلاف سایر موارد همینقدر که ابلاغ کردند اجرا میشود در این قسمت مدعی علیه حق نقل و انتقال ندارد اگر انتقال داد مجازات میشود امروز عصر یکساعت بفرود يك قرار میماند ابلاغ شد که فلان مال من باید توقیف شود من اگر نیمساعت بعد انتقال بدهم این انتقال اثر قانونی ندارد و مجازات کلاه برداری هم در باره این شخص میشود مقصود این است ولی اجرایش البته ممکن است دو هفته هم طول بکشد و در این فاصله که پیدا میکند بمدعی علیه بیاید و اعتراض بکنند و بالاخره این ابلاغ لا اقل این اثر را دارد که حق نقل و انتقال ندارد و بنظر من این ماده خیلی واضح است حالا اگر عبارت توضیح واضح است و یا زیادی است ضرری ندارد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای طاهری

طاهری - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای کیا

کیا - بنده تصور میکنم که آقا بی انصافی کردند در هر چه فکر میکنم می بینم این دو موضوع در این ماده یکی است حالا اگر شما میخواهید این کار را کنید و ماده اول بنویسید که ابلاغ از طرف محکمه صادر شود مگر در موردیکه مدعی علیه غایب باشد این يك موضوع اجرا در موقعی میشود که مدعی علیه اعتراض کند این دو موضوع خیلی خوب است ولی شما بر داشته اید

رئیس - رای میگیریم بماده ۹ آمايان موافقین قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

۴ - ختم جلسه - موقع دستور جلسه بعد

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است (نمایندگان صحیح است)

دشتی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

دشتی - بنده عقیده ام این است چون این قانون خیلی مفصل است و اگر ما بخواهیم در هر جلسه یکی دو ماده بگذرانیم خیلی طول خواهد کشید علاوه بر این شب ماه رمضان است ما مجبوریم بالاخره که تاسجر نخواهیم پس چه ضرری دارد که شب ماه رمضان را استفاده کنیم واقعا تا ساعت دوازده کار کنیم (ملک آرائی) شب اول است (الان یکساعت و نیم هم به دوازده باقی است بعقیده بنده بهتر این است که جلسه را ادامه بدهیم

رئیس - آقای عدل

عدل - الان مدتی است که مجلس تشکیل شده است و ما هم اجباری نداریم که تا ساعت دوازده بنشینیم فرضاً آقا نخواهند بخوابند شاید دیگران بر خلاف ایشان خوابشان میآید و حالا هم که چیزی در دستور نداریم اگر کار زیادی داشته باشیم تا ساعت دوازده هم کار میکنیم و حالا هم ما غیر از لایحه تأمین مدعی به کاری نداریم دو سه ساعت هم هست که داریم کار میکنیم و بس است

رئیس - آقایانی که با ختم جلسه موافقت قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد جلسه آینده اگر اجازه بپذیرد شب یکشنبه ۲۰ بهمن ساعت هفت و نیم آقای یاسائی یاسائی -- عرض میکنم بنده مخالفم که جلسه شب یکشنبه یا یک برای اینکه این قانون بطوریکه آقای دشتی فرمودند خیلی مفصل است چهل ماده دیگر مانده است و تصور میشود که دولت هم از نقطه نظر تعدیل بودجه ناچار یک لایحه خواهد آورد و شاید آن لایحه یک فوریتی هم داشته باشد لهذا بنده خواهش میکنم که جلسه را زودتر قرار بگذارید که لا اقل این لایحه بگذرد. و اگر دولت لایحه بیارند مجالی داشته باشیم

رئیس - بنده این موقعی را که عرض کردم سنجیده بود قبلا از دولت استمراج کرده بودم که آیا کار فوری که لزوم جلسه سریعتری را بخواهد در نظر دارید تا خبر بعد از اینکه جواب منفی دادند اینطور عرض کردم (مجلس ساعت ده و نیم بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر